یادداشت روز

این ماشه قبلا چکانده شده

۱- روز پنجشنبه، ششم شهریور ۱۴۰۴، وزرای خارجه سه کشور اروپایی عضو برجام (انگلیس، فرانسه و آلمان) با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، رسماً آغاز فرآیند فعال‌سازی مکانیسم حل و فصل اختلافات مندرج در بندهای ۳۶ و ۳۷ توافق هسته‌ای (برجام) را اعلام کردند.

فرآیندی که در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای به «مکانیسم ماشه» یا اسنپ‌بک شهرت یافته است؛ نکته قابل تأمل اینجاست که ابعاد مسئله مکانیسم ماشه، ده سال پیش و دقیقا در مقطعی که دولت روحانی روی کار بود به دفعات از سوی منتقدان دلسوز و متخصصان امر مطرح شد، اما در فضای پرهیاهو و فریبنده برای مردم و خفقان‌آمیز برای منتقدان که توسط جریان غربگرا و طیف تندرو مدعی اصلاحات ایجاد شده بود، صدای منتقدان شنیده نشد.

۲- مکانیسم ماشه یک تله حقوقی است که در بطن آن، بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، بدون نیاز به اجماع بین‌المللی، نهفته است.

در ساده‌ترین توصیف، مکانیسم ماشه به فرآیندی اشاره دارد که در صورت ادعای یکی از اعضای توافق درباره «نقض جدی» تعهدات برجام توسط ایران، می‌تواند منجر به بازگشت تمام تحریم‌های بین‌المللی پیشین شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران شود. مطابق بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، کشور مدعی می‌تواند موضوع را به کمیسیون مشترک ارجاع دهد و در صورت عدم توافق، با ارسال اطلاعیه‌ای به شورای امنیت، مسیر بازگشت تحریم‌ها را آغاز کند؛ و نکته تلخ ماجرا آن است که در این فرآیند، هیچ وتویی امکان‌پذیر نیست.

۳- برای درک ریشه‌های ماجرای فعلی، باید به دوره دولت‌های یازدهم و دوازدهم بازگشت.در سال ۱۳۹۴، دولت روحانی با حمایت گسترده رسانه‌های غربگرا و جریان مدعی اصلاحات، برجام را به عنوان «فتح‌الفتوح دیپلماسی»! معرفی کرد. ظریف، در قامت «قهرمان دیپلماسی»! بارها از سازوکارهای حقوقی درون برجام دفاع کرد و آن را تضمینی برای حفظ منافع ایران دانست. اما بسیاری از کارشناسان حقوقی، از جمله در کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس نهم، هشدار دادند که پذیرش بندهای ۳۶ و ۳۷ به معنای اعطای حق داوری به طرف‌های مقابل است؛ حقی که اکنون به‌طور کامل علیه ایران به کار گرفته شده است.

۴- همان‌طور که در حداقل ۱۰ سال اخیر در یادداشت‌ها و گزارش‌های متعدد کیهان مطرح شده، برجام از ابتدا توافقی معیوب و نامتوازن و خسارت‌بار بود. توافقی که در ازای تعهدات گسترده و قابل راستی‌آزمایی ایران، تعهدات طرف غربی عمدتاً مبتنی بر «رفع تحریم‌های ثانویه» و «تعلیق مشروط» برخی محدودیت‌ها بود. یکی از ابزارهای تأمل‌برانگیز که در متن برجام گنجانده شد، همین مکانیسم ماشه بود که ایران را در موضع متهم نگه می‌داشت و حتی اگر طرف مقابل نیز به تعهدات خود پایبند نمی‌ماند، باز هم امکان فعال‌سازی آن علیه ایران وجود داشت.

۵- آنچه امروز در قالب فعالسازی مکانیسم ماشه مشاهده می‌شود، بیش از آن‌که نتیجه رفتار طرف‌های خارجی باشد، ثمره تفکری است که در دولت خاتمی و دولت روحانی، سیاست خارجی کشور را بر پایه «اعتماد بدون پشتوانه به غرب» و «امضای کری تضمین است» و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» بنا کرد. جریانی که باور داشت از مسیر لبخند، کوتاه‌آمدن و مذاکره از موضع منفعلانه می‌توان منافع ملی را تأمین کرد، اما در عمل نشان داد که دیپلماسی بدون اقتدار، نه‌تنها منجر به رفع تهدید نمی‌شود بلکه بستر حقوقی برای افزایش آن را فراهم می‌کند.

۶- در سال‌های پس از امضای برجام، بارها از سوی منتقدان سؤال شد که چرا مکانیسم ماشه پذیرفته شد؟ چرا در متن توافق، ایران از حق وتو محروم شده است؟ چرا اعتراض ایران به نقض تعهدات طرف مقابل، خود می‌تواند منجر به بازگشت تحریم‌ها شود؟ پاسخ جناب آقای ظریف در این خصوص بسیار تأسف‌برانگیز بود؛ از جمله جایی که گفت برخی بندها را شخصی به نام «فرانچسکو» افزوده و او مطلع نبوده است! آیا چنین ادعایی درباره یکی از مهم‌ترین توافقات تاریخ ایران، پذیرفتنی است؟ آیا می‌توان از مسئولیت چنین اشتباهی گریخت؟

۷- با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، شش قطعنامه سابق شورای امنیت که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ علیه ایران صادر شده بود، دوباره احیا می‌شود. این قطعنامه‌ها محدودیت‌هایی را در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و تسلیحاتی اعمال می‌کنند، اما به‌صورت مستقیم شامل تحریم نفت یا مبادلات بانکی نمی‌شوند.

«الیجا جی.مگنیر» خبرنگار و تحلیلگر سیاسی در همین خصوص در مطلبی نوشته است:«تأثیر واقعی این قطعنامه‌ها بیشتر روانی است تا اقتصادی، چرا که ایران در سال‌های اخیر توانسته مسیرهای موازی برای فروش نفت و مبادلات مالی ایجاد کند.»

بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ایران تحت تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت قرار داشت. با این وجود، تولید و صادرات نفت کشور به‌صورت پایدار ادامه یافت. کاهش قابل‌توجه فروش نفت ایران در سال ۲۰۱۲ اتفاق افتاد، یعنی زمانی که تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا به‌صورت یکجانبه وضع شد و تحریم نفتی در دستور کار قرار گرفت؛ نه صرفاً از طریق قطعنامه‌های سازمان ملل.

در واقع، اگر اراده و توان اجرائی در دستگاه دیپلماسی و انرژی کشور وجود داشته باشد، تجربه گذشته نشان داده که می‌توان از مسیرهای جایگزین، بخش عمده صادرات نفت را حفظ کرد.

۸- پس از اعلام رسمی فعال‌سازی مکانیسم ماشه، برخی نمایندگان مجلس از طرح سه‌فوریتی خروج از NPT خبر داده‌اند. در صورت تصویب این طرح، ایران نه‌تنها همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متوقف می‌کند، بلکه به‌صورت رسمی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج می‌شود.

این اقدام می‌تواند معادلات بازی را به‌طور جدی تغییر دهد. از منظر دیپلماسی، خروج ایران از NPT چالش بزرگی برای کشورهای غربی خواهد بود، چرا که نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران دیگر ذیل سازوکار آژانس ممکن نخواهد بود. همچنین، این اقدام ایران را از وضعیت «قابل پیش‌بینی» خارج کرده و هزینه محاسبات غرب را افزایش می‌دهد.

۹- و اما سؤال کلیدی این است: چه کسی باید پاسخگوی پذیرش مکانیسمی باشد که حالا علیه ایران به‌کار گرفته شده است؟ چرا با وجود هشدارهای گسترده منتقدان دلسوز و کارشناسان و صاحبنظران، چنین اشتباهی در سیاست خارجی رقم خورد؟ آیا وقت آن نرسیده که نهادهای نظارتی و قضائی به موضوع ورود کرده و درباره میزان قصور و تقصیر دولت‌های یازدهم و دوازدهم در پذیرش یک‌سویه‌ترین توافق تاریخ معاصر ایران، تحقیق و بررسی کنند؟

اینکه چه افراد و جریانی در داخل مسبب فعالسازی مکانیسم ماشه هستند، یک بخش از ماجرا است که حتما می‌بایست از طریق نهادهای امنیتی و قضائی پیگیری شود. اما طنز تلخ ماجرا اینجاست که اکنون همان طیفی که برجام و مکانیسم ماشه و دوبرابرشدن تحریم‌ها و پرواز قیمت دلار را به کشور و ملت تحمیل کرد، اکنون فریاد وامصیبتا سر داده و از فعالسازی مکانیسم ماشه با عناوینی چون «بحران» و «فاجعه» برای ایران نام می‌برد.

این طیف در سال‌های گذشته با وعده‌های توخالی و پوچ درباره «فتح‌الفتوح برجام»! به یک نوع با اعصاب و روان مردم و امنیت روانی جامعه بازی کردند و اکنون با هراس افکنی و یأس‌آفرینی، به نوعی دیگر بر اعصاب و روان مردم رژه می‌رود.

۱۰- برخلاف بی‌صداقتی و بی‌اخلاقی جریان غربگرا و افراطیون مدعی اصلاحات، جریان انقلابی همواره امنیت روانی جامعه و منافع ملی و عزت مردم عزیز ایران را در اظهارات و تصمیمات و پیشنهادات خود به طور جدی لحاظ کرده است.

جریان انقلابی، در سال‌های گذشته با پروژه جریان غربگرا و طیف تندرو مدعی اصلاحات ذیل «فتح‌الفتوح‌سازی از برجام» مقابله کرد و اکنون نیز در حال روشنگری درباره ابعاد فعالسازی مکانیسم ماشه و مقابله با پروژه ناامیدسازی و یأس‌آفرینی جریان غربگرا است. بر همین اساس کارشناسان و صاحبنظران منتسب به جریان انقلابی معتقدند که علی‌رغم قصور و تقصیر دولت روحانی و به خصوص شخص وزیر خارجه وقت، در شرایط فعلی، مکانیسم ماشه صرفا جنبه روانی دارد و در کف میدان و روی کاغذ، تغییری در ساختار تحریم‌ها رخ نخواهد داد. چرا که به واسطه برجام به هیچ عنوان تحریم‌ها کاسته نشد و در بیشترین حالت ممکن قرار داشت و دیگر تحریمی باقی نمانده که کنار رفته باشد و به واسطه مکانیسم ماشه فعال شود.

۱۱- در حال حاضر ایران همچنان می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های داخلی، تقویت پیوند با اقتصادهای غیرغربی (چین، روسیه، آمریکای لاتین، آفریقا)، توسعه دیپلماسی منطقه‌ای، افزایش بازدارندگی دفاعی و پیشرفت در صنعت هسته‌ای، مسیر مقاومت فعال را ادامه دهد.

مسعود اکبری

عراقچی:

قطعنامه ۲۲۳۱ باید طبق جدول زمانی منقضی شود

وزیر امور خارجه در نامه به مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا تلاش‌های احتمالی این کشورها برای احیای قطعنامه‌های شورای امنیت را فاقد اعتبار و بی‌اثر خواند و گفت: قطعنامه ۲۲۳۱ باید طبق جدول زمانی خود در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شود.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره سازوکار حل‌وفصل اختلافات مندرج در برجام (اسنپ‌بک) به خانم کایا کالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام، نامه نوشت.

عراقچی در نامه‌ای رسمی و مستند که روز پنجشنبه به خانم کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام ارسال شد، به طور مفصل به پاسخ نامه مورخ ۱۸ آگوست ۲۰۲۵ که به وضعیت مرتبط با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و سازوکار حل‌وفصل اختلافات اختصاص یافته است، پرداخته و نکات کلیدی در خصوص وضعیت فعلی برجام و سازوکار حل‌وفصل اختلافات مندرج در این توافق بین‌المللی را تشریح کرد.

عراقچی در این نامه با ابراز تأسف از روایت گزینشی و ناقص نامه اتحادیه اروپا، عنوان کرده است که این نامه از ذکر حقایق اساسی و سوابق آیینی و رویه‌ای مربوط به برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت غفلت کرده و بی‌اعتنایی مزمن اتحادیه اروپا و سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا نسبت به تعهدات خود را نادیده گرفته است.

وزیر امور خارجه ضمن تأکید مجدد بر مواضع قبلی خود که در مکاتبات مورخ ۲۲ جولای و ۲۲ آگوست ۲۰۲۵ به تفصیل بیان شده است، نوشته که سه کشور اروپایی مذکور هیچ وجاهت و صلاحیت حقوقی برای توسل به سازوکار حل‌وفصل اختلافات یا فعال‌سازی بازگشت خودکار تحریم‌ها ندارند.

ناکارآمدی سازوکار اینستکس

عراقچی همچنین تصویر ارائه شده از سوی اتحادیه اروپا مبنی بر پایبندی به تعهدات برجامی را فاقد هرگونه استحکام و وجاهت دانسته و یادآور شده است که علی‌رغم تعلیق برخی تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵، اروپا نه‌تنها به تعهدات خود در زمینه عادی‌سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران عمل نکرده، بلکه توافق را نقض کرده است؛ از جمله با عدم اجرای تعهدات «روز گذار» برجام در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳، گسترش تحریم‌ها علیه اشخاص و نهادهای غیرنظامی ایرانی و اعمال مجدد تحریم‌ها علیه شرکت‌های هواپیمایی، کشتیرانی، شناورها و بنادر ایران. وی تأکید کرد که یازده تعهد تکمیلی اروپا پس از نشست وزرای امور خارجه در ۶ جولای ۲۰۱۸ نیز عملیاتی نشده است.

وزیر امور خارجه ایران همچنین به ناکارآمدی سازوکار اینستکس به عنوان ابتکاری ناکافی و صرفاً نمادین اشاره کرده که هرگز به حجم قابل توجهی از مبادلات منتهی نشده است. وی همچنین شکست مذاکرات وین در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ را ناشی از لجاجت آمریکا، ملاحظات سیاسی داخلی آن کشور و گره زدن مذاکرات به موضوعات نامرتبط توسط ۳ کشور و اتحادیه اروپا دانسته است.

انتقاد شدید از مواضع اتحادیه اروپا

عراقچی در ادامه نامه‌اش به کالاس به ناکارآمدی سازوکار اینستکس به عنوان ابتکاری ناکافی و صرفاً نمادین اشاره کرده که هرگز به حجم قابل توجهی از مبادلات منتهی نشده است.

وی همچنین شکست مذاکرات وین در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ را ناشی از لجاجت آمریکا، ملاحظات سیاسی داخلی آن کشور و گره زدن مذاکرات به موضوعات نامرتبط توسط ترویکا و اتحادیه اروپا عنوان کرده است.

عراقچی همچنین با انتقاد شدید از مواضع اتحادیه اروپا در قبال حملات غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران که نقض صریح منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل است، همراه با حمایت‌های ۳ کشور اروپایی از طریق تأمین سلاح و حمایت‌های علنی، نوشته است که این اقدامات بیش از پیش حسن نیت اروپا را مخدوش می‌کند.

وی همچنین به اظهارات مطرح شده توسط خانم کالاس درباره «پایان یافتن برنامه هسته‌ای ایران» که انکار مبانی اساسی برجام است اشاره کرده و این موضوع را باعث خدشه‌دار شدن نقش اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده عینی و بی‌طرف دانسته است.

رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین در این نامه عنوان کرده است که تلاش‌های احتمالی ۳ کشور اروپایی برای احیای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) لغو شده‌اند، فاقد اعتبار و بی‌اثر است و این قطعنامه باید طبق جدول زمانی خود در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شود.

وی از اتحادیه اروپا خواسته تا از تفسیرهای گزینشی خودداری کرده و در تسهیل دیپلماسی اصیل و حفظ چندجانبه‌گرایی تلاش کند.

عراقچی همچنین نوشته است: جمهوری اسلامی ایران بار دیگر آمادگی خود را برای از سرگیری مذاکرات دیپلماتیک عادلانه و متوازن اعلام کرده، مشروط بر آنکه طرف‌های مقابل جدیت و حسن نیت خود را نشان داده و از اقدامات مخرب که شانس موفقیت مذاکرات را تضعیف می‌کند، اجتناب کنند.

این نامه با رونوشت به دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس دوره‌ای و اعضای شورای امنیت ارسال شده است.

بیانیه وزارت خارجه در واکنش به اعلان غیرقانونی ۳ کشور اروپایی

وزارت امور خارجه ایران همچنین روز پنجشنبه ششم شهریورماه و در واکنش به اعلان غیرقانونی ۳ کشور اروپایی به شورای امنیت در مورد قطعنامه ۲۲۳۱ بیانیه‌ای صادر کرد.

در این بیانیه آمده است: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اعلان غیرقانونی فرانسه، آلمان و انگلیس (E۳) به شورای امنیت در ارتباط با قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) را قاطعانه رد و به شدیدترین شکل ممکن محکوم می‌کند. این اقدام غیرموجه که برخلاف سازوکار حل و فصل اختلافات (DRM) در برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) می‌باشد، تلاشی غیرقانونی و ناموجه برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده است و آشکارا در مغایرت با قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) قرار دارد.

این بیانیه می‌افزاید: همان‌طور که در مکاتبات متعدد قبلی با شورای امنیت سازمان ملل متحد تأکید شده است، سه کشور اروپایی هیچ صلاحیت حقوقی یا اخلاقی برای توسل به سازوکار موسوم به «اسنپ‌بک» ندارند. بنابراین اعلان آنان بی‌اعتبار، باطل و فاقد هرگونه اثر حقوقی است.

در بیانیه آمده است: سازوکار حل و فصل اختلافات مندرج در برجام، بخشی اساسی و جدایی‌ناپذیر از این چارچوب است که به‌طور هدفمند به عنوان یک روند چندمرحله‌ای و مشورتی طراحی شده تا از سوءاستفاده هر طرفی - به‌ویژه کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و انگلیس که خود به تعهداتشان عمل نکرده‌اند - جلوگیری کند.

این بیانیه می‌افزاید: همان‌طور که برخی اعضای شورا، به‌ویژه چین و روسیه، تأیید کرده‌اند، سه کشور اروپایی الزامات سازوکار حل و فصل اختلافات را که در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ پیش‌بینی شده، طی نکرده‌اند. بنابراین اعلان آنان تلاشی معیوب از منظر حقوقی برای سوءاستفاده از قطعنامه ۲۲۳۱ در راستای دستورکار سیاسی مغرضانه علیه ایران است.

این بیانیه می‌افزاید: افزون بر این، از آنجا که این سه کشور به مدت طولانی تعهدات خود را به‌صورت جدی نقض کرده و با خروج غیرقانونی ایالات متحده و اقدامات قهرآمیز آن همراه شده‌اند، نمی‌توانند ادعای جایگاه «طرف‌های دارای حسن‌نیت» داشته باشند. همچنین نمی‌توانند اقدامات غیرقانونی خود را با استناد به اقدامات جبرانی ایران توجیه کنند؛ اقداماتی که تدریجی، متناسب و کاملاً در چارچوب حقوق قانونی ایران وفق برجام بوده است.

در بیانیه فوق عنوان شده است: فارغ از همه بحث‌های حقوقی و سیاسی مربوط به سوابق موضوع، سوءاستفاده از ساز و کار مذکور در شرایطی که تاسیسات هسته‌ای ایران در اثر حمله غیرقانونی یک عضو سابق برجام شدیدا آسیب دیده نشانه‌ای آشکار از سوءنیت است.

این بیانیه می‌افزاید: اقدام سه کشور که آگاهانه زمینه‌های گسترده‌تر را نادیده گرفته و زنجیره رویدادها را تحریف می‌کنند، در عمل متخلف را پاداش داده و قربانی را مجازات می‌کند. این ایالات متحده بود نه ایران که یکجانبه از برجام خارج شد و در سال ۲۰۱۸ تحریم‌ها را بازگرداند. این اتحادیه اروپا/ سه کشور اروپایی بودند نه ایران که تعهدات خود برای کاهش آثار اقتصادی خروج آمریکا را انجام ندادند. این اتحادیه اروپا/ سه کشور اروپایی بودند نه ایران که نه‌تنها تعهدات خود را در روز انتقالی (۱۸ اکتبر ۲۰۲۳) اجرا نکردند، بلکه تحریم‌های غیرقانونی جدیدی علیه شرکت‌های هواپیمایی و شرکت‌های کشتیرانی غیرنظامی ایران اعمال کردند.

بقیه در صفحه۱۱

خبر ویژه

خیانت مکانیسم ماشه چگونه طراحی و اجرا شد؟

چه شد از وعده توخالی آقای روحانی درباره لغو یک‌جا و برگشت‌ناپذیر تحریم‌های مالی و اقتصادی و بانکی، به استفاده اروپا(پایمال‌کننده توافق) از مکانیسم ماشه علیه ایران رسیدیم؟!

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۳، همزمان با انتشار برخی گزارش‌های نگران‌کننده از محتوای مذاکرات، گروهی از کارشناسان در نشستی با عنوان «دلواپسیم»، به نقد ابعاد مختلف روند مذاکرات پرداختند. اما دولت روحانی و حامیان آن، به جای استقبال از نقد صاحب‌نظران، واژه «دلواپسان» را تبدیل به حربه‌ای برای توهین و تمسخر، ساکت نمودن کارشناسان، و دوقطبی‌سازی جامعه کردند!

روحانی در حالی که در کنار ظریف، سرگرم مغازله با طرف اروپایی بود و اروپایی‌ها را نگران اشتغال جوانان ایرانی معرفی می‌کرد(!) منتقدان را مورد توهین قرار می‌داد؛ چنان که گفت: «یک عده به ظاهر شعار می‌دهند ولی بزدل سیاسی هستند و تا حرف مذاکره پیش می‌آید می‌گویند ما می‌لرزیم. به جهنم؛ بروید یک جای گرم برای خود پیدا کنید. خداوند شما را ترسو و لرزان آفریده است. ما چکار کنیم؟»

کمیسیون ویژه بررسی برجام پس از ۴۴ روز بررسی، بیش از ۴۰ ایراد حقوقی، فنی، اقتصادی، امنیتی، اجرائی، تضمینی مهم را در متن توافق فهرست کرد که نشان می‌داد توافق به شکل فعلی، به زیان ایران پیش خواهد رفت. در گزارش کمیسیون از جمله آمده بود: «مکانیسم‌های داوری مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ و بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام به طور کاملاً واضح و عامدانه بر ضد ایران تنظیم شده و عملاً برای ایران غیرقابل مراجعه است. ایران در هیچ مراجعه‌ای به این مکانیسم‌ها برنده نخواهد بود و عملاً نمی‌تواند به هیچ نقض کلی یا جزئی از سوی ۱+۵ به نحوی واکنش نشان بدهد که منجر به برهم خوردن توافق نشود... توافق برجام هیچ‌گونه ضمانت اجرائی حقوقی و قانونی به جز قطعنامه غیرالزام‌آور ۲۲۳۱ شورای امنیت ندارد و هر یک از اطراف توافق در هر زمان که اراده کند می‌تواند اجرای آن را متوقف ساخته و تحریم‌ها علیه ایران را بازگرداند. این معادله برای ایران مخاطره‌آمیز ارزیابی می‌شود».

اما نمایندگان آن روز مجلس، تحت فشار فضاسازی سنگین دولت روحانی(و برخلاف هشدارهای کمیسیون ویژه خود در زمینه بررسی برجام)، رای به تصویب بی‌کم و کاست برجام دادند! اگر مرحوم علی‌اصغر زارعی، فرمانده و جانباز دفاع مقدس، در روز تصویب برجام فریاد زد و گریه کرد و کارش به اورژانس کشید، در مجلس بعدی، نمایندگانی بودند که با حرص و ولع، برای عکس یادگاری گرفتن با خانم موگرینی(مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) سر و دست می‌شکستند!

دو سال طول کشید تا آقای ظریف تحت فشار افکار عمومی و پوچ درآمدن وعده‌های همین خانم موگرینی بگوید: «اروپا شرافت خود را در برجام فروخت». ظریف همچنین با هفت سال تاخیر، اخیرا گفت: «اشتباه می‌کردیم که از اروپا توقع داشتیم اینستکس راه بیندازد». این در حالی بود که روحانی، زمان خروج آمریکا از برجام گفته بود: «شرّ مزاحم برجام کم شد»!

حتی پس از خروج آمریکا از توافق، حرف‌های مهمل و فریبکارانه موگرینی، تیتر اصلی شیدایان و بزک‌کنندگان برجام می‌شد، بی‌آنکه به بی‌شرافتی اروپا بپردازند: «در برجام می‌مانیم»، «اروپا کنار ایران»، «هر چه تهران بگوید» و «اروپا علیه آمریکا»!!

آقای روحانی، به تعبیر موگرینی تضمین داده بود که حتی در صورت خروج آمریکا، به شکل یکطرفه در توافق بماند. روحانی تازه با یک سال تاخیر گفت: «اینستکس (وعده پسا برجامی اروپا) به هیچ دردی نمی‌خورد» اما تا سه سال، انجام یکطرفه تعهدات را با وجود عهدشکنی و دغل‌بازی اروپا ادامه داد.

برجام، طوری تدوین شده بود که اگر هیچ سودی به ایران نمی‌رساند، ظرفیت همیشگی تهدید را در پوشش مکانیسم ماشه، با خود حمل کند. به همین علت، هر چند از روز اول از سوی طرف‌های غربی نقض و پایمال(عملا ابطال) شد، اما این ظرفیت را در متن خود داشت که تحت عنوان مکانیسم ماشه، به تهدید ایران در بازگرداندن قطعنامه‌های تحریکی شورای امنیت بپردازد.

جریان غربگرا هر چند مدعی بود با مذاکره و توافق می‌خواهد تحریم‌ها را لغو کند، اما واقعیت این بود که سخت‌ترین قطعنامه یعنی ۱۹۲۹ برای حمایت از فتنه(شکست خورده) سبز، یک سال از انتخابات ۱۳۸۸ بود.

درباره نقش منحصر به فرد برخی سران فتنه در اعمال تحریم‌های سنگین علیه ایران، باید گزارش روزنامه لس آنجلس تایمز در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۸۸ را مورد توجه قرار داد، آنجا که جان هانا مقام آمریکایی گفته بود: «مطمئناً پیامی که از گردهمایی اخیر فعالان اپوزیسیون ایران- که در میان آنها بعضی شخصیت‌های نزدیک به رهبری جنبش سبز حضور داشتند- شنیدم، این بود که تحریم باید اعمال شود و باید هرچه شدیدتر باشد؛ تحریم ضعیف و یا تدریجی، فقط به رژیم امکان می‌دهد که خودش را تطبیق دهد. آنها گفتند تحریم برای اینکه مؤثر باشد، باید به صورت شوک وارد شود که فلج کند و نه به صورت واکسن».

این روزنامه همچنین، ۱۰ مهر ۱۳۸۸: «برخلاف غرور ملی ایرانی‌ها، اپوزیسیون و جنبش سبز از فشار غرب راضی است. یکی از مخالفان می‌گوید افشای وجود یک نیروگاه هسته‌ای جدید، بر فشارها خواهد افزود و همین موجبات رضایت جنبش سبز را فراهم می‌کند. اما اغلب ایرانی‌ها مخالف سازش بر سر برنامه هسته‌ای هستند؛ این یک حس ملی است که حتی قبل از انقلاب هم وجود داشته است.»

بورل: ایران به تعهدات پایبند بود اروپا به تعهداتش عمل نکرد

اتحادیه اروپا در حالی به بهانه نقض برجام از سوی ایران، اجرای مکانیسم ماشه را به شورای امنیت ارجاع داده، که رئیس قبلی سیاست خارجی این اتحادیه به عهدشکنی خودشان و پایبندی ایران به توافق اعتراف کرده است.

جوزپ بورل، ۶ اسفند ۱۳۹۹ در اندیشکده «شورای آتلانتیک» تصریح کرد: ایران برای مدت طولانی به تعهداتش پایبند بود؛ و ما به تعهدات‌مان عمل نکردیم.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفته بود: ایران تا زمانی که ترامپ به صورت یکجانبه از برجام خارج شد، به تعهداتش در برجام پایبند بود و این پایبندی را برای مدت طولانی ادامه داد. آنها الان دیگر این کار را انجام نمی‌دهند، اما در این‌سو، ما تعهدات اقتصادی‌مان را اجرا نکردیم. این مسئله ساده‌ای نیست.

او افزوده بود: ایران درباره محقق نشدن رفع تحریم‌ها گلایه داشت. ما سعی کردیم از طریق اینستکس تجارت مشروع را برقرار کنیم اما نتیجه چندان بزرگی حاصل نشد. وی همچنین خواستار محدود شدن مذاکرات با ایران تنها در مسئله برجام شده و گفته بود: «شاید مسائل دیگری هست که باید مدنظر قرار بگیرند اما همه‌چیز را نباید به صورت با هم مطرح کرد، چون در این صورت، روند [گفت‌وگوها] مسدود می‌شود.»

علایی: حرفی از رفع تحریم‌ها در مذاکرات نبود

مدیرعامل یک صندوق دولتی می‌گوید: استراتژی مذاکراتی ما، قبل از جنگ به درستی تنظیم نشده بود. استراتژی مذاکراتی آمریکا «توافق یا بمباران» بود و ویتکاف برای وادار کردن ایران به پذیرش غنی‌سازی صفر، مذاکره می‌کرده است و حرفی از رفع تحریم‌ها در مذاکرات زده نشده است.

حسین علایی، مدیرعامل صندوق فولاد (زیرمجموعه وزارت رفاه و کار و تعاون) در گفت‌وگو با جماران اظهار کرد: ایران به دنبال آن بود تا از طریق مذاکرات و گفت‌وگوها، سطح تنش‌ها با ایالات‌متحده را کاهش دهد، ولی ترامپ با تشویق اسرائیل جهت شروع جنگ با ایران و نیز با بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران، سطح تنش‌ها را به اوج رسانید و مردم ایران را نسبت به نیت و اهداف آمریکا بسیار بدبین‌تر کرد. آمریکا نشان داد که به جز بهره‌گیری از زور عریان به چیز دیگری در روابط بین کشورها و معادلات جهانی فکر نمی‌کند.

علایی همچنین گفته است:

- مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی در دولت چهاردهم، موضوع هسته‌ای و تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده است. گرچه این دولت توانست مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا را شروع کند، اما درنهایت متأسفانه اسرائیل و آمریکا جنگ علیه ایران را بدون هیچ بهانه‌ای آغاز کردند و تمام تأسیسات هسته‌ای ایران را از بین بردند. فشارهای همه‌جانبه و تحریم‌های غیرقانونی هم ادامه یافت و تحریم‌های ظالمانه جدیدی هم علیه ایران اِعمال شد که همچنان رو به افزایش است. بنابراین، دستگاه دیپلماسی گرچه تلاش زیادی کرد و از هر نوع مذاکره‌ای استقبال نمود، ولی نتوانست جلوی جنگ و نیز تداوم تحریم‌ها را بگیرد و فرآیند اسنپ‌بک هم توسط اروپایی‌ها به جریان افتاد.

- به نظر می‌رسد که استراتژی وزارت‌خارجه در طی مذاکرات با آمریکا با توجه به واقعیات تنظیم نشده بوده است. وزارت امور خارجه در عمل نتوانسته به درستی و بموقع، دست آمریکا و نیت ترامپ را از مذاکرات بخواند. به نظر می‌رسد که از ابتدا ابتکار مذاکرات در اختیار آمریکا بوده و ویتکاف برای وادار کردن ایران به پذیرش غنی‌سازی صفر مذاکره می‌کرده است و حرفی از رفع تحریم‌ها در مذاکرات زده نشده است.

- آمریکا از موضع بالا و برای اِعمال زور وارد مذاکرات شده بود و ایران باید متناسب با استراتژی آمریکا و نقاط قوت و ضعف خودش و نیز منابع در اختیار، استراتژی مذاکره را تعیین می‌کرد تا بتواند در تله مذاکراتی آمریکا نیفتد.

- استراتژی مذاکراتی آمریکا «توافق یا بمباران» بود و اصلاً ترامپ به دنبال فرآیند مذاکره برای نیل به یک توافق «برنده- برنده» نبوده است، بلکه می‌خواسته تا یک نوع مذاکره «برنده- بازنده» را انجام دهد.

- آمریکا مذاکرات را به شکست کشاند و بدون توجه به تعیین وقت برای دور ششم مذاکرات، به اسرائیل اجازه داد تا جنگ را شروع کند. این در حالی بود که وزیر خارجه پس از هر دور مذاکره، گزارشی حاکی از سازنده بودن مذاکرات ارائه می‌داد و چنین حسی را ایجاد می‌کرد که مذاکرات در مسیر به نتیجه رسیدن، جلو می‌رود که بعداً معلوم شد این‌گونه نبوده است.

- ایران می‌تواند در مذاکرات جدید با آمریکا شرکت کند و پیشنهادی را بر مبنای پذیرش تعلیق غنی‌سازی در ازای رفع کامل تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های ایران و نیز جبران خسارات جنگ، به آمریکا ارائه نماید تا ان‌شاءالله وضعیت تغییر کند. البته این پیشنهاد به مفهوم به نتیجه رسیدن آن نیست، زیرا ترامپ به دنبال تأمین نظرات اسرائیل است.

بقیه در صفحه۱۱

گفت و شنود

شتر سواران!

گفت: همه نوع کالای مورد نیاز مردم به فراوانی در کشور هست. چه اتفاق عجیب و غیرمنتظره‌ای پیش می‌آید که قیمت‌ها روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند؟!

گفتم: قیمت کالاها با افزایش قیمت دلار افزایش پیدا می‌کند!

گفت: خُب، قیمت دلار به چه علت افزایش پیدا می‌کند؟ بی‌علت که نیست! پس علتش چیست؟!

گفتم: همه شواهد و اسناد به وضوح نشان می‌دهند که افزایش قیمت دلار کار سازماندهی‌شده یک شبکه وابسته به دشمنان بیرونی است. با دستور دشمن قیمت را بالا می‌برند و دستمزدشان همان سود کلانی است که در این مأموریت وطن‌فروشانه نصیبشان می‌شود.

گفت: پس دستگاه‌ها و مراکز مربوطه چه می‌کنند؟! چرا از امکانات و اقتداری که دارند برای انهدام این شبکه مرموز استفاده نمی‌کنند؟! مگر وظیفه آنها حمایت از مردم نیست؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! بعضی‌ها اگر سوار شتر هم بشوند، باز هم سگ پاچه آنها را گاز می‌گیرد!

نکته

فعال کردن «اسنپ‌بک» ادامه جنگ ۱۲ روزه است

**۱- سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه با ارسال نامه‌ای به اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرده‌اند که روند سازوکار اسنپ‌بک را برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران فعال کرده‌اند. مضحک آن که «ژان-نوئل بارو» وزیر خارجه فرانسه با انتشار پیامی در شبکه X ضمن اعلام این خبر، نوشته است: «این اقدام به معنای پایان دیپلماسی نیست، ما مصمم هستیم از دوره ۳۰ روزه که اکنون برای گفت‌وگو با